

## حجاب در آیینۀ شعر معاصر

طاهره چال دره<sup>۱</sup>

### چکیده

آثار ادبی بیان‌کننده شرایط جامعه‌ای هستند که در آن خلق شده‌اند. بررسی و تحلیل این آثار، فضای حاکم بر زمانه و محیطی که اثر در آن تبلور یافته را نشان می‌دهد. حجاب و پوشش علاوه بر اینکه حکم الهی است، یک مسأله اجتماعی و فرهنگی نیز می‌باشد که در ادبیات بویژه سروده‌های شاعران معاصر مطرح شده است. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی - تحلیلی و استفاده از مستندات کتابخانه‌ای، نخست اشعار شاعران معاصر مدافع و مخالف حجاب را بررسی کرده سپس دلایل مطرح شده در سروده‌های ایشان را تبیین نموده است. شاعران مدافع حجاب معتقدند که حجاب دستور دین اسلام است و مانع پیشرفت و علم‌آموزی زنان نیست و مرد غیور مدافع حجاب و عفت است، اما شاعران مخالف حجاب، بر این باورند که وجوب حجاب در دین اسلام نیست. حجاب مانع پیشرفت و کسب دانش است و تأثیری هم بر عفت زن ندارد.

**کلمات کلیدی:** حجاب، شعر معاصر، دین، علم و دانش.

---

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران  
t.chaldareh@yahoo.com

## ۱- مقدمه

حجاب جمع حُجَب در لغت به معنای پوشش، چادر، پرده، نقاب، روبند و ... آمده است (آذرنوش، ۱۳۸۴: ۱۰۸). کلمه حجاب هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده و حاجب است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که بر حسب اصل لغت هر پوشش حجاب نیست، آن پوشش حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۴: ۷۸).

مسأله حجاب با بسیاری از مسائل پیوند خورده و دارای ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد. این مسأله بدان جهت که خطاب آن با زنان است به نیمی از جمعیت جامعه بازمی‌گردد و از آن جهت که در تنظیم روابط بین زن و مرد نقش دارد به تمام افراد جامعه مرتبط است.

عده قابل توجهی از مسلمانان حجاب و پوشش را به عنوان ضرورت دین پذیرفته‌اند و رعایت آن را در جامعه لازم و ضروری دانسته از آن دفاع می‌کنند و در مقابل عده‌ای دیگر رعایت حجاب و پوشش اسلامی را مانع حضور زنان در اجتماع می‌دانند و اذعان می‌دارند که رعایت حجاب مانع فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود و بدین خاطر آسیب‌های اقتصادی به جامعه وارد می‌شود و برای زنان نیز پیامدهای روحی و روانی در بر خواهد داشت. شهید مطهری معتقد است: «معنی شایع لغت حجاب پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می‌شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود. وظیفه پوشش که در اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی نیست که از خانه بیرون نروند. زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد» (همان: ۷۹). حجاب برخلاف آنچه برخی تصور می‌کنند برای حضور سالم زنان در جامعه است و حضور اجتماعی زن این اقتضا را دارد که با رعایت عفاف و حجاب وارد اجتماع گردد و اگر

بنا بود حضوری در جامعه نداشته باشد، چنین قانونی وضع نمی‌گردید (اختری، ۱۳۹۵: ۶). از آنجا که ادبیات آیینۀ تمام نمای جامعه می‌باشد و آثار ادیبان، تبلور اندیشه‌ها و افکار مردم جامعه است بر آن شدیم تا مسأله حجاب و دیدگاه شاعران معاصر را در میان سروده‌هایشان بررسی کنیم.

### ۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

ادیبان در شکل‌دهی تغییرات اجتماعی و توضیح و تبیین مسائل اجتماعی و فرهنگی سهم مهمی را ایفا می‌کنند و از خلال آثار ادبی بویژه شعر می‌توان پیرامون مسائل و مباحث اجتماعی، فرهنگی و... جامعه به تحقیق پرداخت. این پژوهش درصدد آن است تا با تکیه بر سروده‌های شاعران معاصر درباره حجاب به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید:

۱- بازتاب مسأله حجاب در شعر معاصر چگونه است؟

۲- شاعران معاصر برای موافقت و مخالفت با حجاب چه دلایلی را مطرح

کرده‌ند؟

### ۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

نوع و حد و اندازه حجاب و پوشش همواره در جامعه و به تبع آن در ادبیات بازتاب و انعکاس داشته است و دیدگاه‌های مختلفی در این باره مطرح است. مسأله‌ای که اگر به درستی مورد واکاوی قرار گیرد و نگاه قرآن کریم و علت تأکید بر پوشش مناسب و رعایت حجاب و عفاف که منجر به سلامت روحی جامعه خواهد شد به طور دقیق تحلیل شود، رفع ابهام می‌شود.

بررسی علت‌های مطرح شده در سروده‌های شاعران موافق و مخالف حجاب و مراد آنان از واژه حجاب و حد و حدود پوشش به عنوان بازتاب تفکر و اندیشه افراد جامعه کمک می‌کند که به نقد و بررسی و تحلیل دیدگاه آنان پرداخته شود و پاسخ‌هایی قانع‌کننده برای علل مطرح شده، فراهم آید و شبهاتی که در این زمینه بیان می‌شود برطرف گردد.

### ۱-۳- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های بسیاری در مورد حجاب و پوشش انجام شده که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

حجاب در ادبیات معاصر فارسی و عربی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نسرین کریمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۱۳۹۳.

کتاب پوشش و حجاب زن در ادبیات فارسی از انقلاب مشروطه تا امروز، مهدی محبتی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹.

مقاله با عنوان: «پوشش معشوق در غزلیات سعدی»، احمد امین، مهدی احمدی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، شماره ۸، پاییز ۱۳۹۳.

مقاله با عنوان: «پیکارهای شاعرانه در معرکه کشف حجاب»، محمدسبحان راستگو، نشریه زمانه، شماره ۷۵-۷۶، ۱۳۸۷.

مقاله با عنوان: «بازتاب فرهنگ پوشاک و لباس در ادبیات ایران (با نگاهی به دیوان حافظ)»، اسدالله زارعی، فصلنامه هنر علم و فرهنگ، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۲.

در این تحقیق سعی شده است با توجه خاص به موضوع‌هایی که شاعران معاصر برای موافقت و مخالفت با حجاب بر آن تکیه زده‌اند، به این موضوع پرداخته شود.

### ۲- دیدگاه شاعران درباره حجاب

#### ۲-۱- شاعران موافق حجاب

##### ۲-۱-۱- حجاب دستور دین اسلام و آیات قرآن است

یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی پوشش است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی پرهیز نماید. در قرآن کریم، مسأله حجاب در سوره‌های مبارکه احزاب و نور مطرح شده است و آیات الهی به حجاب چشم که رعایت آن از سوی مردان و زنان لازم است اشاره دارد و بر حجاب در گفتار و پوشش نیز تأکید می‌ورزد تا حریم میان زنان و مردان نامحرم حفظ شود. از

این رو برخی از شاعران این مسأله را در دین اسلام را بیان می‌کنند:

رو گرفتن ز شروط مذهب و آیین ما      ما مسلمانیم عصمت از شروط دین ما  
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۷۶۶)

زن های مسلمان را آیین حجاب امروز      باید که رخ گیرند در کوجه نقاب امروز  
از بهر رسول الله آیات حجاب آمد      باید که بگیرد رو هر زن که مسلمان است  
زیرا که حجاب زن معلوم ایمان است      هم عصمت و هم عفت در پردهٔ نسوان است  
(همان: ۱۷۹)

در این ابیات مسألهٔ عفت زنان مسلمان و زنان عفیف طرح شده است. عفت به معنای خویش‌داری در برابر تمایلات افراطی نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی است و در تفکر اسلامی زیربنای علم اخلاق به شمار می‌رود و شامل منزه بودن و پاکی دست و زبان و شکم و دامن و ... از هر نوع عیب و بدی است.

خدا ستوده به قرآن که زن بیوشید رخ      دری که بسته از او شد که فتح باب کند  
مگر که آیه «یدنین» را نخوانده حرف      که جهل بیهوده داریم به شیخ و شاب کند  
حجاب بهر مسلمان و اهل ایمانست      کسی که این دو ندارد چه احتجاج کند  
نبی ز تابع قرآن حجاب می خواهد      نه آن که جهل به قانون آن جناب کند  
رموز آیهٔ «فیهن قاصرات الطرف»      ندیده آن که بدین گونه التهاب کند  
(نطنزی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۲۹)

شاعر در این ابیات به آیهٔ ۵۹ سوره مبارکهٔ احزاب اشاره می‌کند که به زنان و دختران پیامبر و زنان مؤمن سفارش شده که روسری و چادرهای خود را بر خویش بیافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، می‌باشد و به رموز و اسرار آیهٔ ۵۶ سوره مبارکه الرحمن نیز اذعان می‌کند که خداوند متعال در توصیف زنان بهشتی آورده است که این زنان به صفت حیا مزین می‌باشند.

سورهٔ نور به خواندن آیه سی و یک و بگیر      ز «خمرهن» نقابی بر رخ چون قمرت

زیور و زینت خود جز به محارم منمای  
تا که بیگانه ندزد ز تو یکتا گهرت  
(دهقان، ۱۳۲۹: ۲۳۰)

شاعر به صراحت خواندن آیه ۳۱ سوره مبارکه نور را توصیه می‌کند که مبحث حجاب نگاه و حفظ عفت و پاکدامنی است و استناد به واژه «خمرهن» می‌نماید که به معنای پوشش است و به طور معمول به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند.

پاکی اندوز و راستی آموز	بعد از آن هر چه خواستی آموز
کان که مذهب نهاد و آیین کرد	راستی را ملازم دین کرد
زن که با کژی و بدی خو کرد	پرده عافیت به یک سو کرد
زن که با راستیش جنگ افتاد	نقد آیین ز دست خواد داد
چون ز آیین و کیش روی نهفت	کرد با عصمت آنچه نتوان گفت

(امیری فیروزکوهی، ۱۳۱۳: ۸۱)

راستی و پاکی نماد مذهب و آیین مطرح شده است؛ در حقیقت راستی همان «صراط مستقیم» است که حافظ عفت و عصمت می‌باشد.

گفت پیغمبر، که زن ریحانه است	همچو گل پرورده طرف آستان
خرمن گل، از چه سنگ ره شدی	بهر دیدار جمال گل رخان
حکم قرآن است، این امر حجاب	نصب بنمایید روی دیدگان
تابع اسلام کی باشد چنین	نی روا باشد که به داب کافران

(نوری تویسرکانی، ۱۳۷۹: ۷۳)

در این ابیات به روایت مشهوری که زنان را به ریحانه یعنی گل تشبیه کرده‌اند، اشاره شده و اعلام می‌دارند که مسأله حجاب از احکام قرآن کریم است.

هر آن که کوشش رفع حجاب بنماید	خدای خانه عمر ورا خراب کند
کسی که در دل او بهره ای ز ایمان ست	چه بحث او به فقیه و یا کتاب کند

اگر به حکم خدا و صریح قرآن است      زنان مسلمه باید به رخ نقاب کند  
(نجفی گیلانی، ۱۳۰۶: ۲۱۱)

شاعر لب به نفرین کسانی می‌گشاید که در صدد گسترش بی‌حجابی هستند و  
بر این باور است که زنان مسلمان باید به حکم خدا و قرآن کریم حجاب داشته  
باشند.

چراغ روز فردایت، حجاب خوب امروزست      نهایت چادر شب را سحرگاهی است مینایی  
لباس عصمت و تقواست نشانه حکم «کرمنا»      میفکن سایه طوبی اگر هشدار و بینایی  
تو رمز خلقتی ای زن، تو محبوب خداوندی      دل مردان حریم اوست رها کن این خودآرایی  
بدان بی‌پرده میگویم اگر گوشت خریدار است      مرو از چادر عصمت اگر در راه زهرایی  
(احمدی جلفایی، ۱۳۸۱: ۳۱۵)

در این ابیات بحث کرامت انسانی مطرح گشته و به آیه ۷۰ سوره مبارکه اسراء  
استناد شده است که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ...» «و به راستی ما  
فرزندان آدم را گرامی داشتیم و...». بنابر باور شاعر، عصمت و تقوا علت برتری  
انسان بر بسیاری از موجودات مادی می‌باشد و به زنان توصیه می‌کند که از حریم  
عصمت خارج نشوند.

## ۲-۱-۲- حجاب مانع علم‌آموزی نیست

اهمیت علم و دانش اندوزی بر هیچ کس پوشیده نیست و طبق آموزه‌های  
قرآنی، علم یکی از کمالات مهم انسانی و معیار برتری انسان‌ها بر یکدیگر است  
(مجادله: ۱۱) و از آنجا که زنان نیمی از جمعیت کشور هستند و نقش تربیت فرزندان  
نیز به آنها اختصاص دارد بالا رفتن سطح علم و دانش آنان بسیار ضروری می‌نماید.  
در این زمینه شاعران مدافع حجاب معتقدند که حجاب مانع کسب تحصیل و علم  
نیست و در این باره سروده‌اند:

یک چادری از عفت و ناموس به سر کن      آن گاه برو مدرسه تحصیل هنر کن

خود را ز کمالات هنر نور بصر کن / چون دختر بی علم نزد همه خوار است  
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۳۰۹)

آن که گوید حجاب واجب نیست	آگه از این همه معایب نیست
گوید آمد حجاب صورت و سر	حاجب اکتساب علم و هنر
زن اگر دست و رو بپوشاند	دانش آموختن پنتواند
غافل از این که ستر و پوشش زن	نیست هرگز حجاب دانش و فن
زن اگر در پلاس باشد نیز	نبود علم را از او پرهیز
زن نه بل مرد هم درون پلاس	علمی آرد به کف برون ز قیاس
هیچ گه از نخستین روز وجود	چادر و علم را خلاف نبود
علم از چادری گریزان نیست	علم را پرده دار و دربان نیست

(امیری فیروزکوهی، ۱۳۱۳: ۷۸)

شاعران در این ابیات اشاره می‌کنند که چادر و پوشش بانوان مانع علم‌آموزی آنها نمی‌باشد و تأکید می‌کنند که زنان نیز باید خود را به کمال علم و هنر آراسته نمایند.

حجاب زن کجا سدّ باب معرفت است	ز رفع پرده چه معلومی اکتساب کند
کدام ملتی از علم زن ترقی کند	کسی بگوید این کلمه تا ثواب کند
ز رو گشادن زن ها چه معرفت خیزد	به جز مبادی اخلاق را خراب کند

(نطنزی طباطبایی، ۱۳۸۳: ۲۱۰)

این ابیات در پاسخ کسانی است که بر این باورند حجاب مانع کسب علم و دانش است و شاعر معتقد است که علم و دانش که همراه با بی‌حجابی و پرده‌داری به دست آید نه تنها باعث رشد و ترقی جامعه نمی‌شود، بلکه اصول اخلاقی را نیز ویران می‌سازد.

## ۲-۱-۳- غیرت مرد از حجاب زن دفاع می‌کند

غیرت در اصطلاح به معنای تلاش در محافظت از چیزهایی است که حفاظت از



آنها لازم است و یکی از شریف‌ترین فضایل اخلاقی به شمار می‌رود. غیرت ریشه در فطرت آدمی دارد و آدمی به طور فطری به گونه‌ای آفریده شده که از امور مورد احترامش مانند زن، فرزند، مقام، ثروت و ... محافظت می‌کند. شاعران در این ابیات بحث حجاب را به مسأله غیرت پیوند زده‌اند و می‌سرایند:

کسی که غیرت و ناموس را نفهمیده	که گفته است که ناموس او حجاب کند
کسی که پرده ندارد به فکر پرده‌داری است	هوای فتنه و آشوب و انقلاب کند
کسی که مرد شد از زن حجاب می‌طلبد	که مردمی خود از این ره انتخاب کند
ز مرد خواهش بی پردگی زن عجب است	عجیب تر آن که به خود آدمی خطاب کند

(همان: ۲۲۹)

هان ای علما امروز، ترویج شریعت کو	دین می رود از طهران، از شرع حمایت کو
زن های گرامی را آثار نجابت کو	مردان عظامی را آن غیرت و همت کو

زن‌ها به خیابان‌ها مخمور و خراب آمد  
(حسینی گیلانی، ۱۳۷۱: ۱۵۶)

در این سروده‌ها از غیرت مردان سخن به میان رفته است و مرد باغیرت را کسی می‌دانند که مانع پرده‌داری و بی‌حجابی زنان می‌شود. آنها مسأله کشف حجاب را که در تاریخ معاصر ایران اتفاق افتاده است مطرح می‌کنند که شریعت و ترویج احکام شرعی نیازمند حمایت از سوی علما و انسان‌های غیور می‌باشد.

## ۲-۲- شاعران مخالف حجاب

### ۲-۲-۱- حجاب مانع کسب علم و دانش زن و پیشرفت جامعه است

برخی از شاعران مخالف حجاب بر این باورند که حجاب و پوشش مانع کسب علم و دانش و مانع ورود زن در عرصه اجتماع است و در این باره سروده‌اند:

چادر و روی بند خوب نبود	زن چنان مستمند خوب نبود
جهل اسباب عافیت نشود	زن رو بسته تربیت نشود

کار زن برتر است از این اسباب  
گر قوانین ما همین باشد  
هست یکسان حجاب و رفع حجاب  
ابدالدهر زن چنین باشد  
(ملک الشعراى بهار، ۱۳۸۰: ۱۴۶)

ای دختر نامدار ایرانی  
چون دخترکان ازبکستان  
از روی خود این نقاب بردار  
چادر بنه و کتاب بردار  
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۱۰۱)

در حقیقت این شاعران چادر و روبند زنان را مانع علم‌آموزی می‌دانند و از زنان می‌خواهند که چادر را کنار بگذارند و به تأسی از زنان ازبکستان در پی کسب علم و دانش باشند.

بفکن نقاب و بگذار در اشتباه ماند  
بدر این حجاب و آخر به درآ ز ابر چون خور  
تو بر آن کسی که می‌گفت رخت بر ماه ماند  
که تمدن ار نیابی، تو به نیم راه ماند  
(قزوینی، ۱۳۸۱: ۱۳۶)

از حجاب است که این قوم خرابند خراب  
از خرابی ز حجاب است که ناپد به حساب  
در حجاب است سخن گرچه بود رد حجاب

تو سزد فخر کنی بر دگران بدهی درس  
شرم چه؟ مرد یکی بنده و زن یک بنده  
چيست اين چادر و روبنده نازيبنده  
عيب باشد که تو را از دگران باشد ترس  
زن چه کرده است که از بنده بود شرمنده  
گر کفن نیست بگو چیست پس این روبنده

مرده باد آن که زنان زنده به گور افکنده

این سخن مذهب هر کس باشد  
با من از یک دو سه گوینده هم آواز شود  
از همین زمزمه‌ها روی زنان باز شود  
چادر و پیچه دگر بس باشد  
کم کم این زمزمه در جامعه آغاز شود  
لذت از زندگی جامعه احراز شود

عزت و فتح به این جامعه دمساز شود

ور نه تا زن به کفن سر برده  
نیمی از ملت ایران مرده

(عشقی، ۱۳۷۵: ۳۲۹)

شاعر چادر و روبند زن را به کفن تشبیه کرده است و علت خرابی جامعه را پوشش زنان می‌داند و معتقد است که عزت و افتخار و رشد جامعه زمانی میسر می‌شود که زنان حجاب را کنار بگذارند.

یک دم ز حقوق مدنی دم بزن ای زن      وین دام سیه سلسله برهم بزن ای زن  
این جامه ماتم بدل ما زده صد چاک      صدچاک در این جامه ماتم بزن ای زن  
بگشای چو خورشید رخ و تیر تجلی      بر دیده نامحرم و محرم بزن ای زن  
(شهریار، ۱۳۳۶: ۱۲۲)

شاعر در این ابیات زنان را خطاب قرار می‌دهد و آنان را تشویق می‌کند که برای احقاق حقوق شهروندی خویش تلاش کنند و نقاب از روی خود بردارند.

### ۲-۲-۲- انکار وجوب حجاب در دین اسلام

با وجود نص صریح قرآن کریم بر لزوم رعایت عفاف و حجاب برخی از شاعران بر این باورند که حجاب، واجب شرعی نیست. ناگفته پیداست که برخی بیان کرده‌اند که اسلام خواسته زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و از فعالیت‌های اجتماعی آنان جلوگیری شود؛ در حالی که فلسفه پوشش برای مشارکت اجتماعی و معاشرت با مردان نامحرم است. شاعرانی که در وجوب شرعی حجاب تردید دارند، سروده‌اند:

ترک حجاب بایدت ای ماه رو مگیر      در گوش وعظ واعظ بی‌آبرو مگیر  
بالا بزن به ساعد سیمین نقاب را      گر هر چه شد بر گردنم، آن را فرو مگیر  
چون شیخ مغز خالی پر حرف و لابه گوی      ایراد بی‌جهت سر هر گفت‌وگو مگیر  
(عارف قزوینی، ۱۳۸۱: ۲۳۷)

در این ابیات شاعر معتقد است که ترک حجاب گناه نیست و این برداشت‌های شخصی افراد از دین اسلام است.

به دست کس نرسد قرص ماه در دل آب  
اگرچه طالب آن جهد بی حساب کند  
فقیه شهر به رفع حجاب مایل نیست  
چراکه هر چه کند حیلہ در حجاب کند  
چو نیست ظاهر قرآن به وفق خواهش او  
رود به باطل و تفسیر ناصواب کند  
(ایرج میرزا، ۱۳۸۶: ۲۳)

شاعر معتقد است که ظاهر آیات قرآن به حجاب اشاره‌ای نمی‌کند؛ بنابراین فقها به تفسیر آیات می‌پردازند و طبق رأی خود، قرآن را تفسیر می‌کنند.

پس کی تو این نقاب ز رخ دور می‌کنی  
کی ترک این اسارت منفور می‌کنی  
با مرد همسری تو، کی این حق خویش را  
ثابت به آن ستمگر مغرور می‌کنی  
باشنو، اگر ز پرده برآیی بدون عیب  
چشم رقیب را ز حد کور می‌کنی  
بر ضد خودپرستی مردان قیام کن  
تمکین چرا به بندگی زور می‌کنی  
تف بر سلیقه تو، که در چادر سیاه  
زن‌های زنده را همه در گور می‌کنی  
(لاهوئی، ۱۳۵۷: ۹۳)

در این ابیات حجاب به اسارت و زنده به گور کردن زنان تشبیه شده است و شاعر از زنان خواسته است که علیه خودپرستی مردان قیام کنند که مغرورانه به زنان ستم می‌کنند و با زور و اجبار آنها را وادار به حجاب می‌کنند.

### ۲-۲-۳- عدم تأثیر حجاب بر عفت زنان

عده‌ای از شاعران، رابطه‌ای بین پوشش و عفت زنان نمی‌بینند. به عقیده آنان عفاف لازم است، اما حجاب نه زیرا حجاب را مربوط به ظاهر فرد می‌دانند، اما عفت را که یک حالت درونی است با باطن و درون فرد مرتبط می‌دانند. این شاعران، درباره ناکارآمدی حجاب و پوشش ظاهری در میزان عفاف سروده‌اند:

نشود منقطع از کشور ما این حرکات  
تا که زن بسته و پیچیده به چادر باشد  
حفظ ناموس ز معجز نتوان خواست «بهار»  
که زن آزادتر اندر پس معجر باشد  
(بهار، ۱۳۸۰: ۴۹۰)

به اعتقاد شاعر، روسری و چادر باعث حفظ ناموس و عفت زنان نمی‌شود.

زن سبکساری نبیند تا گران سنگ است و پاک  
زن چو گنجور است و عفت، گنج و حرص و آزه دزد  
اهرم‌ن بر سفره تقوی نمی‌شد میهمان  
چشم و دل را پرده می‌بایست، اما از عفاف  
پاک را آسیبی از آلوده دامانی نبود  
وای اگر آگه از آیین نگهبانی نبود  
زان که می‌دانست کانچا، جای مهمانی نبود  
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود  
(اعتصامی، ۱۳۷۳: ۱۵۳)

شاعر در این ابیات زن را صاحب گنج و پاکدامنی را گنج معرفی می‌کند و معتقد است اگر زن مراقب گنج خویش نباشد از گزند حرص و آزه دزدان در امان نمی‌ماند و بر این باور است که حجاب به معنای پوشش کارساز نیست، بلکه حجاب چشم و دل لازم است.

### ۳- نتیجه گیری

از ویژگی‌های بارز ادبیات، ارتباط تنگاتنگ آن با مسائل اجتماعی است؛ به عبارتی دیگر ادبیات با اهداف و آرمان‌های بشر در ارتباط است. در مورد مسأله حجاب نیز، شاعران بسیاری از جمله نسیم شمال، نطنزی طباطبایی، اسماعیل دهقان، امیری فیروزکوهی، نوری توپسرکانی و ... برای ترویج و گسترش فرهنگ عفاف و حجاب قلم‌فرسایی کرده‌اند. حاصل این پژوهش نشان می‌دهد که آنان معتقدند حجاب دستور شریعت اسلام است و جزء احکام قرآن کریم می‌باشد و حجاب مانع کسب علم و دانش نیست و انسان‌های غیور مدافع حجاب و عفاف زنان هستند. از دیگر سو، شاعرانی چون ملک الشعرای بهار، ابوالقاسم لاهوتی، عارف قزوینی، میرزاده عشقی، شهریار، پروین اعتصامی و ... با کشف حجاب موافق بودند و بنابر اعتقاد آنان در دین اسلام، حجاب واجب نیست و سدی است در مقابل کسب علم و دانش و پیشرفت جامعه و تأثیری نیز بر عفت زنان ندارد. لازم به ذکر است که حجاب و پوشش عرف زمانه این گروه از شاعران را نیز باید در نظر گرفت که گاه تلقی بر عدم حضور زن در اجتماع بوده است.

## کتابشناسی

### ۱- قرآن کریم

- ۲- احمدی جلفایی، حمید، (۱۳۸۱)، *مجموعه اشعار*، قم: زائر.
- ۳- اختری، زینب، (۱۳۹۵)، *عفاف و حجاب از دیدگاه نوروبیولوژی*، تهران: مؤسسه شهید آوینی.
- ۴- اعتصامی، پروین، (۱۳۷۳)، *دیوان*، تهران: روایت.
- ۵- امیری فیروزکوهی، سید کریم، (۱۳۱۳)، *دیوان اشعار*، به کوشش احمد کسروی، تهران: سخن.
- ۶- ایرج میرزا، جلال الممالک، (۱۳۴۵)، *جاودانه ایرج میرزا*، تهران: پگاه.
- ۷- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۰)، *دیوان بهار*، به کوشش چهارزاد بهار، تهران: توس.
- ۸- حسینی گیلانی، سید اشرف‌الدین، (۱۳۷۱)، *کلیات جاودانه نسیم شمال*، تهران: رجبی.
- ۹- دهقان، اسماعیل، (۱۳۲۹)، *دیوان اشعار*، رشت: فردوس.
- ۱۰- شهریار، سید محمدحسین، (۱۳۳۶)، *کلیات دیوان اشعار*، تهران: نگاه.
- ۱۱- عارف قزوینی، میرزا ابوالقاسم، (۱۳۸۱)، *کلیات دیوان عارف قزوینی*، به اهتمام عبدالرحمن سیف آزاد، تهران: امیرکبیر.
- ۱۲- عشقی، میرزاده، (۱۳۷۵)، *کلیات مصور عشقی*، تصحیح علی‌اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- لاهوتی، ابوالقاسم، (۱۳۵۷)، *کلیات ابوالقاسم لاهوتی*، به کوشش بهروز مشیری، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴)، *مسئله حجاب*، تهران: صدرا.
- ۱۵- نجفی گیلانی، شیخ یوسف، (۱۳۰۶)، *وسیله العفاف یا طومار عفت*، رشت: فردوس.
- ۱۶- نطنزی طباطبایی، سید محمد، (۱۳۸۳)، *دیوان اشعار*، تهران: سروش.
- ۱۷- نوری توپسرکانی، ابوالقاسم، (۱۳۷۹)، *دیوان مصلح*، تهران: پردیس.